

بیانیه دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران به مناسبت

آغاز سال تحصیلی جدید و ضرورت های حاکم بر دور جدید مبارزات دانشجویی

دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران در مقطعی از مبارزات جنبش دانشجویی و به ویژه بخش چپ آن پا به عرصه نهادند، که چپ دانشجویی، در ضعیف ترین و تدافعی ترین وضعیت خود طی چند سال گذشته به سر می برد و از این رو می توان موجودیت دانشجویان سوسیالیست را محصول یک ضرورت ناب تاریخی در بزنگاهی ارزیابی نمود که می بایست در اوج فشارها و تهدیدهای رژیم سرکوب گر اسلامی، مقاومت و هم زمان تعرضی را سامان می داد که حداکثر تلاشش معطوف به جلوگیری از سرخوردگی عمومی دانشجویان به ویژه چپ و نیز تشتت و پراکندگی آنان باشد. چنین بود که حضور صریح و قاطع «سوسیالیست ها» امری تثبیت شده در جنبش دانشجویی گردید.

لذا دانشجویان سوسیالیست همواره با ارائه تحلیل و ترسیم مختصات شرایط در هر برهه، با در نظر گرفتن منافع کل جنبش سوسیالیستی (و نه منافع هیچ سکت و محفلی)، مواضع و عملکرد خود را شفاف و تنظیم نمودند و چنان که بارها در بیانیه های خود اعلام داشته اند، از ابتدا تا به این لحظه، حرکت بر مبنای یک استراتژی سوسیالیستی در جنبش دانشجویی را هم گام با مبارزات جنبش طبقاتی کارگران و جنبش رادیکال زنان و سایر جنبش های اعتراضی با مطالبات دموکراتیک برای پس زدن تعرضات نظام سرمایه و اختناق زاینده دیکتاتوری اعلام داشته اند.

* «سوسیالیست» بودن یعنی چه؟

تبیین معنای سوسیالیست بودن در جنبش دانشجویی بر محور ضرورت

دانشجویان سوسیالیست با نهادن این نام بر مجموعه خود، در واقع سنتی را که پیش از این در چپ دانشجویی موجود بود را به چالش کشیده و آن را معکوس نمودند. مجموعه گروه های چپ همواره با نامیدن خود با اسامی عام (که گاه هیچ ربط مستقیمی با چپ بودن و رویکرد طبقاتی فعالین آن نداشت)، ظاهراً چنین تبلیغ می نمودند که هدف توده ای شدن در بین دانشجویان و پوشش خیل وسیع تری از دانشجویان را دنبال می کنند. اما مجموعه تجربیات چپ دانشجویی حاکی از آن است که در عمل، تناقضی بر این رویه حاکم بوده است: پیگیری منفعی خاص تحت لوای عنوانی عام.

با حضور دانشجویان سوسیالیست در جنبش دانشجویی، این رویه معکوس گردید؛ عنوان «سوسیالیست» با ارجاع به ماهیت طبقاتی مشخص. استراتژی که این بخش از جنبش دانشجویی در جنبش های اجتماعی سرلوحه عمل قرار می دهد، مرزبندی و نقد تخفیف ناپذیر هرگونه خط مشی بورژوازی، اعم از لیبرالی، سوسیال دموکراتیک، رفرمیستی و اپورتونیستی را در پی می آورد، ضمن تاکید عملی بر گسترش و نفوذ در صفوف دانشجویان، با طرح و پیگیری خواست ها و مطالبات صنفی و دموکراتیک دانشجویی شرکت عملی در هر سطحی از مبارزه برای نیل به این مهم.

از این جهت «سوسیالیست بودن» برای ما نه ارجاع به اموری انتزاعی و غیر واقع، که همواره در گره خوردگی اش با ضرورت های جنبش های اجتماعی بر مبنای استراتژی سوسیالیستی معنا یافته است.

در جنبش دانشجویی نیز، «سوسیالیست بودن» برای ما علی رغم هرگونه سم پاشی و هیاهوی بلانتیجه، با نقد آغاز گردید. نقدی که مبنای آن ضرورت تعیین تکلیف در چپ دانشجویی برای آغاز فصل جدیدی از مبارزات سوسیالیست ها در جنبش دانشجویی برای اعاده حیثیت و دستاوردهای شگرف چپ در دانشگاه بود. نقد هرگونه سکتاریسم و فرقه پرستی، نقد اپورتونیسم، ریاکاری و فرصت طلبی های نفرت انگیز خرده بورژوازی، نقد آوانتوریسم که منافع کل جنبش را قربانی ماجراجویی های خود می کند، نقد هرگونه تنوری یا پراتیکی که در خدمت بنیان فکری از هرگونه اخلاقیات سوسیالیستی عمل می نماید، و نقد فرهنگ فحاشی، ابتذال و پرووکاسیون که جزء جدایی ناپذیر گرایشات و فرقه های خرده بورژوازی است.

«سوسیالیست بودن» کماکان بر مبنای ضرورت دیگری در جنبش دانشجویی تحقق یافت، و آن لزوم عطف توجه به مطالبات و نهادهای صنفی به مثابه بستر و ظرف اصلی فعالیت در شرایط نوین بود. چنان که از همان ابتدا در بیانیه های دانشجویان سوسیالیست به صراحت عنوان شده است، برای فعلیت یافتن جنبش دانشجویی در معنای واقعی، نیاز به بسیج و مشارکت توده های دانشجوی امری غیر قابل انکار است و یکی از الزامات تحقق این امر عزیمت از منزلگاه مطالبات صنفی و خواسته های عمومی و روزمره دانشجویان و رهبری و نمایندگی کردن اعتراضات و تکیه های دانشجویان در راستای نیل به این دسته خواسته ها بوده است. در این راستا بر این مساله تاکید گردید که سیاست شناخته شده و مسبوق به سابقه بخشی از چپ دانشجویی، که " ورود " فعالین چپ به " تشکلهای زرد " نظیر انجمن های اسلامی را برای برقراری ارتباط با بدنه دانشجویی تشویق می نمود، اکنون باید به جای اینکه منجر به تکرار تجربه ناموفق و ناکام عضویت و فعالیت در قالب انجمنهای اسلامی گردد، در مورد تشکل های آزاد و مستقل دانشجویی نظیر شوراهای صنفی و مانند آن اجرا گردد که علاوه بر اینکه بر خلاف انجمنهای اسلامی نهادهای ایدئولوژیک و سیاسی دارای پیوندهای عمیق و وثیق سیاسی و تاریخی با رژیم و حامل سبک کار منحط آن نیستند، امکان دسترسی مستقیم و مناسبی به توده های دانشجوی را فراهم می آورد که اتکاء و پشت گرمی به آن بستر پیشبرد استراتژی سوسیالیستها در ادوار گوناگون تاریخی و جنبشهای مختلف اجتماعی بوده است و هم چنین به بحث نظری «تشکل های مستقل دانشجویی» تضمینی عینی و عملی می بخشد. سوسیالیست ها بر این باور بوده اند که تشکل یابی و تلاش در جهت سازمان دادن به تشکل توده ای دانشجویان و استفاده از ابزارهایی چون اعتصابات توده ای دانشجویان (چنانکه چند تجربه موفق آن را در کرج، تبریز و... شاهد بودیم)، به مثابه یکی از ابعاد مهم وحدت تئوری انقلابی و پراتیک انقلابی امروزه باید در راس فهرست وظایف فعالین سوسیالیست جنبش دانشجویی قرار گیرد؛ لذا سوسیالیست ها بیان داشتند که تلاش می کنند به عنوان ظرف مشخص کننده، وحدت بخش و انسجام دهنده گرایش انقلابی در جنبش دانشجویی عمل کنند و به مثابه نماینده این گرایش مشخص در جنبش دانشجویی در جهت مبارزه برای تحقق شعارها و مطالباتی نظیر تشکل مستقل دانشجویی، دفاع از حقوق بنیادی دانشجویان، مطالبات صنفی، مبارزه بر علیه آپارتاید جنسی و سایر حقوق دموکراتیک و سیاسی دانشجویان، شناخته شوند. ضرورت دیگری که با تاکید عملی بر آن «سوسیالیست بودن» موضوعیت می یابد، این است که سوسیالیست ها این وظیفه را بر خود بار می دیدند که نقطه اتصال مبارزات دانشجویان با مبارزات جنبش طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی دیگر نظیر جنبش زنان باشند. این مسئله که جنبشهای اجتماعی ای به جز جنبش طبقه کارگر نمی توانند عامل تغییرات بنیادین باشد، نیاز به توضیح ندارد. هنگامی که بدانیم هر درجه از آزادی های دموکراتیک در بورژوازی امروز بدون پشتوانه یک جنبش کارگری قدرتمند، یا قابل تحقق نیست و یا ناپایدار خواهد بود و با هر چرخشی در شرایط باز پس گرفته خواهد شد، لاجرم باید به آن جنبشی نگریست که توان تحقق این مناسبات دموکراتیک را به شکل اصیل دارا می باشد.

بخش سوسیالیست جنبش دانشجویی با طرح مقوله «اتحاد جنبشهای دموکراتیک حول جنبش کارگری»، بحث «نمایندگی افق پرولتری در جنبش دانشجویی» را مطرح ساخته اند و همواره بر این امر اهتمام ورزیده اند که در بدنه جنبش دانشجویی به تبلیغ و ترویج این مساله بپردازند که این چشم انداز را برای تداوم مبارزات خویش برگزینند. چرا که ممکن ترین و واقع بینانه ترین راه برای مبارزه پیگیر در راستای تحقق مطالبات دموکراتیک در سطح جامعه است و به این معناست که سوسیالیست ها شعار " اتحاد جنبش کارگری و دانشجویی " را پیش می کشند و از بخش چپ جنبش دانشجویی دعوت می کنند که مبارزه در راه تشکل یابی طبقه کارگر و غلبه بر موانع عینی و ذهنی آن را به هسته اصلی استراتژی خود بدل سازند. با طرح چنین دینامیزی - یعنی پویایی «مبارزه طبقاتی» - برای پیشبرد امر دموکراتیزاسیون در سطح جامعه است که دانشجویان سوسیالیست اذعان داشتند که در دوران ما رادیکالیسم، انقلابی گری و آزادی خواهی تنها از کانال پیوند با ابعاد گوناگون مبارزات طبقه کارگر به امری استراتژیک و قابل ترجمه به زبان سیاست واقعی و متکی به یک نیروی اجتماعی بدل می گردد. در برهه حساس کنونی نیز می بینیم که تا چه حد سرنوشت آزادی و رهایی مردم ایران به مبارزات " ارتش قدرتمند و مهیب " جنبش کارگری گره خورده است و تا کجا چشم ها به سوی مبارزات طبقاتی کارگران دوخته شده است.

ضرورت دیگری که به زعم ما بر مبنای آن «سوسیالیست بودن» در جنبش دانشجویی همواره تعین واقعی خود را می یابد، ضرورت مقابله هر روزه با لیبرالیسم محافظه کار ایرانی (چه در و چه بیرون از حاکمیت)، و افشای هم دستان سوسیال دموکرات آن و در ورژن های متنوع اسلامی، سکولار یا لائیک، سنتی و یا مدرن بوده است که همواره منافع جنبش های اجتماعی را قربانی منافع و مصالح طبقاتی خود ساخته اند.

این آن چیزی بود که گاه در منازعات عبث و خودزنی های درون جنبشی چپ دانشجویی، مغفول می ماند و در برهه هایی حساس به عنوان یک وظیفه استراتژیک قربانی جدل ها و کشمکش های محفلی می گردید. به ویژه در سال تحصیلی گذشته که دانشگاه جولانگاه نیروهای مختلف سیاسی برای داغ کردن بازار انتخابات ریاست جمهوری بود، این تنها دانشجویان سوسیالیست بودند که با ارائه تحلیل منسجم طبقاتی، آرایش نیروهای سیاسی را به دقت تبیین نمودند و به عنوان تنها نماینده فعال خط تحریم بر مبنای تحلیل در دانشگاه شناخته می شدند. در شرایطی که حتی بسیاری از نیروهای ظاهرا چپ نیز به کمپین های مهیج انتخاباتی کاندیداهای اصلاح طلب پیوسته بودند، این تنها سوسیالیست ها بودند که سوسیالیسم رادیکال و کارگری را نمایندگی می کردند و توجیحات طبقاتی بورژوازی و خرده بورژوازی این الوقت را افشا می کردند.

آنچه که ذکر گردید، تنها مرور آن چیزی بود که در ۳ سال گذشته به لحاظ نظری و عملی در دستور کار دانشجویان سوسیالیست قرار داشته است. اما آنچه که اکنون پرداختن به آن ضرورت دیگری برای سوسیالیست هاست، تحلیل شرایط جدید، موضع گیری و اتخاذ سیاست های درست در قبال تحولات اخیر و مبارزات توده ای مردم ایران است که ذیلا بدان می پردازیم.

* تحلیل شرایط جدید پس از کودتای انتخاباتی و موضع سوسیالیست ها در قبال جنبش توده ای مردم ایران

جنبش توده ای مردم اکنون به برهه حساسی از مبارزه خود علیه دیکتاتوری رسیده است. روشن است که این جنبش دیگر برای احیای رای های باطل شده، یا صدور معجزه ای برای تبدیل یکباره کابینه دولت کودتا به کابینه رفرمیست های محبوب مردم نیست. بلکه بالعکس، این اصلاح طلبان هستند که به حضور میلیونی مردم در خیابان ها عمیقا محتاج اند و بدون این پشتوانه حتی یک لحظه هم برای ادامه اعتراضات خود برای احیای منافع طبقاتی شان خطر نمی کنند. اکنون جدال برای اصلاح طلبان جدال مرگ و زندگی است و نه کاهش و افزایش سهم خود از قدرت سیاسی و اقتصادی (چنان که در دوره های انتخاباتی پیشین بود).

اما برای مردم این مساله متفاوت است. جنبش توده ای ضد کودتای مردم ایران، از همان فردای اعلام نتایج، به یکباره پوست اندازی روزانه خود را شروع نمود، از همان لحظات بود که ماهیت این مبارزات با کارناوال های انتخاباتی پیش از اعلام نتایج یکسر متفاوت گردید؛ و همان طور که هفته به هفته از مبارزات خونین مردم برای آزادی خواهی و کسب حقوق دموکراتیک شان در خیابان ها می گذشت، نسل جدیدی از مبارزین در دامن این تحولات با سرعتی چشم گیر رشد خود را ادامه می دادند.

دیدیم که پس از چندین هفته درگیری و مبارزه پیگیرانه مردم در خیابان ها، به تدریج از حضور مداوم و بی واسطه مردم در خیابان های شهرها کاسته شده است و آتش زیر خاکستر خشم مردمی که خون فرزندان شان در خیابان ها، شکنجه گاه ها و دخمه های رژیم بر زمین ریخته است، می رود که هیمة دیگری برای شعله ور ساختن بیابد.

اکنون در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید، همه نگاه ها به سمت دانشگاه ها چرخیده است. این را نه فقط دانشجویان و مردم و فعالین همه جنبش های اجتماعی و سیاسی می دانند، که بهتر از همه آن ها، دولت کودتا و ابدی نظامی اش به خوبی دریافته اند و از این روست که زمزمه های سرکوب دانشگاه، انقلاب فرهنگی دوم، تعطیلی دانشگاه و برخورد با تحرکات دانشجویی را سر داده اند و تدارک اطفاء حریق خشم دانشجویان را می بینند.

روشن است که اکنون پرچم مبارزه علیه دیکتاتوری به دست جنبش دانشجویی رسیده است و جنبش دانشجویی این رسالت را بر دوش دارد که تا تقویض این پرچم به بخش تعیین کننده دیگری از زنجیره مبارزات مردم -جنبش طبقاتی کارگران- بر ایفای تعهد تاریخی خود به رزمیدن جهت احقاق خواست ها و مطالبات دموکراتیک با حداکثر توان بکوشد تا طبقه کارگر، به مثابه پیگیر ترین و رادیکال

ترین نیروی سیاسی با تمام تشکل های صنفی و سیاسی اش پا به عرصه مبارزه بنهد، چرا که اکنون عینی ترین و مبرم ترین نیاز مردم برای تداوم مبارزات و تعمیق خواست های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شان در گرو به صحنه آمدن طبقه کارگر متشکل است. دانشجویانی که پیش تر در رویدادهای پس از کودتای انتخاباتی، خوابگاه هایشان به خاک و خون کشیده شد، و دوشادوش مردم در خیابان ها به مقاومت و مبارزه مبادرت ورزیده بودند، اکنون وارد فاز جدیدی از مبارزه خود می شوند تا بر اساس نقش تاریخی خود به مثابه میلیتانت و پیشتاز جنبش های دموکراتیک، اولاً فضای مبارزاتی را در سطح جامعه زنده نگه دارند و در ثانی، سطح مبارزات را تا درجاتی ارتقاء دهند.

روشن است که فعالین سوسیالیست در جنبش دانشجویی اکنون وظیفه خطیری بر عهده دارند که بایستی با دقت و هشیاری کامل آن را به انجام برسانند.

* اکنون وظایف سوسیالیست ها در جنبش دانشجویی

سوسیالیست ها تا پیش از رویدادهای پس از کودتای انتخاباتی اخیر بر مبنای یک استراتژی سوسیالیستی هدف اعاده دستاوردهای دموکراتیک از دست رفته پس از ۱۳ آذر ۸۶ را پیگیری می کردند، و زمانی که تا حد قابل قبولی این نقصان را جبران کردند، طرح خواست های صنفی و رفاهی دانشجویی را مورد نظر خود قرار دادند و با حضور در فعالیت ها و مبارزات صنفی دانشجویی، سعی خود را جهت بسیج بدنه توده ای حول این خواست ها مبدول نمودند.

اما واضح است که اکنون شرایط ویژه ای بر دانشگاه ها حاکم است. فضای دانشگاه ها بدون شک امنیتی تر و پادگانی تر از گذشته می شود، تشکل ها، کانون ها و نشریات دانشجویی مورد حمله اساسی قرار می گیرند، تنگناها و محدودیت های شدیدی بر فعالین دانشجویی اعمال می شود، کمیته های انضباطی فعال تر از همیشه محرومیت های دانشجویان از تحصیل را نوید می دهند و خیل قابل توجهی از دانشجویان هنوز سال تحصیلی آغاز نشده، ستاره دار می شوند و از حضور در دانشگاه منع می گردند. فرماندهان سپاه با مقامات دانشگاه ها دیدار می کنند و با تفویض اختیاراتی به بازوهای نظامی خود در دانشگاه ها سعی می کنند کنترل فضا را در دست بگیرند.

این در حالی است که بسیاری از هم کلاسی های دانشجویان، در خوابگاه ها، خیابان ها یا بازداشت گاه ها آماج گلوله های کودتاچیان قرار گرفته اند، از تحصیل محروم شده اند و یا هنوز در بازداشت های طولانی مدت به سر می برند و بی گمان جای شان بیش از هر زمان دیگری امسال و در آغاز سال تحصیلی، خالی می نماید؛ بسیاری از اساتید گرفتار پرونده سازی های عجیب و غریب شده اند و یا در بازداشت به سر می برند. آیا می توان باور کرد، وقتی که زندان ها دانشگاه شده اند و دانشگاه ها زندان، دانشجویان مهر سکوت بر لبانشان بکوبند؟

بنابراین در این که وضعیت دانشگاه های سراسر ایران با شروع سال تحصیلی جدید متلاطم و ملتهب خواهد بود تردیدی وجود ندارد. مساله اصلی اما این است که سوسیالیست ها در برهه حساس کنونی در جنبش دانشجویی وظایف خود را چگونه به انجام می رسانند؟ از این زاویه باید وظایف سوسیالیست ها را در دو گروه طبقه بندی کرد:

- وظایفی که از جهت دانشجو بودن و حضور در یک جنبش اجتماعی با خواست های صنفی و دموکراتیک طرح می شود.

- وظایفی که بر مبنای سوسیالیست بودن و پیوند با یک جنبش عمومی سوسیالیستی بر فعالین بار می شود.

بدون شک وظایف گروه اول، مجموعاً بر تاکتیک هایی دلالت می کند که بر مبنای استراتژی توده ای شدن و جذب بدنه دانشجویی برای بسیج حداکثر نیرو در دانشگاه صورت می گیرد. بر این اساس تاکتیک هایی چون اعتصابات دانشجویی و کمپین های اعتراضی می تواند بدنه دانشگاه را نسبت به مسائل صنفی و حقوق دموکراتیک دانشجویان حساس نمود؛ حقوقی که مهم ترین دستاورد به ویژه چپ جنبش دانشجویی در دهه گذشته بوده است. حضور فعال نیروهای سوسیالیست در تشکل های صنفی و پیشتازی آن ها برای بازپس گیری حقوق از دست رفته و گسترش خواست های دموکراتیک و تعمیق این مطالبات از مهم ترین وظایف سوسیالیست ها به اعتبار دانشجو بودن است. چرا که امروز می توان به عینه مشاهده نمود که نه فقط خواست های دموکراتیک، که جزئی ترین و حداقلی ترین

خواست های مدنی تا چه حد به سوسیالیسم گره خورده است. اکنون حمله به ارتجاع و تحرکات واپس گرایانه، جز با حمله به سرمایه داری میسر نیست؛ از این رو دموکرات های پیگیر، دیگر نمی توانند مرز های عبور ناپذیری با سوسیالیست ها داشته باشند و سوسیالیست ها در دانشگاه، لزوماً جدی ترین نیروی سیاسی برای احقاق حقوق صنفی و سیاسی و بسیج بدنه دانشجویان برای مبارزه در این مسیر خواهند بود.

هم چنین با اوج گیری مبارزات دانشجویی، خواسته های صنفی به مثابه سکوی پرتابی برای انعکاس خواسته های اقشار و طبقات گوناگون جامعه عمل می کند. این جاست که سوسیالیست ها بر اساس جزئی از یک جنبش عمومی و فراگیر تر سوسیالیستی در دانشگاه ها، موظفند که ضمن ملحوظ داشتن موازین و اقداماتی که تا حد امکان بدنه دانشجویی و فعالین را از چنگال درنده خویان در امان نگه می دارد و ضمن پیشگیری از سرکوب خونین دانشگاه، اولاً عاملی برای تداوم جنبش توده ای باشند تا طبقه متشکل کارگر نقش موثر خود را در جهت دهی به اعتراضات و مبارزات پیدا نماید، ثانیاً نسبت به هرگونه انحرافی در جنبش توده ای (چه در دانشگاه و چه خارج از آن) هشدار داده و علیه توهماتی که بر برقراری بالانس بین دو جناح متعارض تاکید می گذارد یا وزن گزافی تا سطح رهبری جنبش به نیروهای سیاسی اخراج شده از حاکمیت می بخشد مقابله نماید، ثالثاً تمام تلاش خود را برای هژمون ساختن جنبش طبقه کارگر و سیاست های آن برای سمت دهی به تحولات آتی و ورود به فاز جدیدی از مبارزات مبذول نمایند.

اکنون طبقه کارگر با توجه به شرایط وخیم اقتصادی که با بحران اقتصادی جهانی به مراتب فلاکت بار تر نیز می شود، برای پیگیری خواست های معیشتی و اقتصادی خود به طور جدی وارد صحنه شده اند، بر طبق آمار های منتشر شده خبرگزاری رسمی کار رژیم سرمایه داری اسلامی، در چند ماه گذشته هر ۵ روز یک اعتصاب کارگری رخ داده است. اخبار حاکی از آن است که کارگران به طور غیر متشکل در جنبش توده ای مردم حضور داشته اند و روشن است که چرا چشم همه مردم به سوی کارگرانی است که چرخ های اقتصاد را می چرخانند؛ و چرا این جنبش توده ای در انتظار آن است که کارگرانی که جز زنجیرهایشان چیزی برای از دست دادن ندارند، از چرخاندن این چرخ امتناع بورزند.

ما ضمن اعلام انزجار از هر جریان سیاسی که بر مبنای منافع سکتی(فرقه ای) خود جنبش توده ای و میلیونی مردم را ندیده می گیرد، و در مبارزه علیه دیکتاتوری عقب نشینی می کند، نسبت به هرگونه سوء استفاده و به هرز دادن مقاومت و مبارزات توده مردم توسط نیروهای رفرمیست، هشدار می دهیم؛ ما کشتار، شکنجه و بازداشت مردم، فعالان سیاسی و اجتماعی توسط رژیم سرکوب گر اسلامی را اکیداً محکوم می کنیم؛ با تمامی خانواده های جان باختگان اخیر اعلام هم دردی می کنیم و اعلام می کنیم که خون های ریخته شده در دانشگاه ها و خیابان ها را از یاد نخواهیم برد.

زنده باد جنبش توده ای مردم علیه دیکتاتوری!

پیش بسوی ایجاد تشکلهای توده ای مستقل و رادیکال!

زنده باد سوسیالیسم!

دانشجویان سوسیالیست

<http://www.socialist-students.com>

مهر ۱۳۸۸